بررسی تطبیقی آرایه‌های ادبی فارسی- انگلیسی

دکتر لطف الله کریمی[۱]
استادیار زبان انگلیسی دانشگاه آزاد اسلامی- واحد همدان

چکیده
هدف مقالهٔ حاضر بررسی دشواری‌ها، امکانات و ارائهٔ راهکارهایی برای چگونگی تطبیق آرایه های ادبی در زبان فارسی و انگلیسی است. در راستای این هدف، نگارنده علاوه بر معرفی دشواری‌ها و مقدوریت‌ها، به طور کلّی، به تطبیق چند آرایهٔ ادبی در زبان فارسی و انگلیسی پرداخته است. با داشتن ادبیّاتی غنی، بررسی تطبیقی جنبه‌های مختلف دو زبان و یا بیشتر، از جایگاه محکمی برخوردار است. مطالعه و مقایسهٔ آرایه‌های بدیعی، بیانی، عروض و قافیه منجر به آثار دو زبانه می‌شود که در دنیای امروز آگاهی از این امر برای استادان دانشگاه، معلمان و محققان ضروری می نماید.

کلید واژه‌ها: بررسی تطبیقی، اصطلاحات ادبی، فارسی- انگلیسی.

تاریخ دریافت ۹۱/۱/۲۲
تاریخ پذیرش ۹۱/۵/۱۶

[Downloaded from erfaniyat.iauh.ac.ir on 2025-10-23]

مقدّمه

۱. بیان مسئله

بررسی تطبیقی دو زبان یا بیشتر، در واقع همان زبانشناسی مقابله‌ای است که به مطالعهٔ جنبه‌های مختلف دو زبان مانند نظام‌های آوایی، واژگانی، آرایه‌ای، دستوری، معنی شناسی، منظور شناسی، سبک و فرهنگ می‌باشد (ضیا حسینی، ۱۹۹۴: ب). پشتوانهٔ مبادرت به تهیهٔ این مقاله چند انگیزه بوده است: اوّل اینکه مجادلات بر سر مسائل نظری و عملی بررسی تطبیقی، زمینهٔ تحقیقات بیشتری را در این مورد فراهم کرده است. دوم اینکه دانشجویان رشتهٔ مترجمی زبان انگلیسی در دانشگاه آزاد واحد همدان در پیدا کردن آرایه-های ادبی معادل در زبان فارسی و انگلیسی با مشکلاتی مواجه می‌باشند، خصوصاً وقتی که بنا به دلایل یادگیری و آموزشی مانند حدس زدن به آن‌ها اجازه داده نشود که از فرهنگ لغت دو زبانه استفاده نمایند. سوم اینکه گلچین ها یا فرهنگ هایی که به صورت تطبیقی به بررسی اصطلاحات علوم بیان, بدیع, عروض و قافیه به طور جداگانه پرداخته باشند، در دسترس نیست.

۲. اهداف

در نوشتن این مقاله اهداف زیر مد نظر بوده اند:

الف- پاسخ به این سؤال که تا چه اندازه امکان بررسی تطبیقی آرایه های ادبی انگلیسی و فارسی وجود دارد؟

ب- ارائهٔ عمومی برخی راهکارها یا معیارها برای بررسی تطبیقی نظام آرایه‌های ادبی در دو زبان فارسی و انگلیسی.

ج- ایجاد انگیزه در پژوهشگران برای انجام مطالعات در مورد موضوعاتی که در آخر مقاله معرفی شده‌اند و گشودن افقی نو بر روی دانشجویان رشتهٔ مترجمی

۳. پیشینه

بررسی تطبیقی از لحاظ نظری، آموزشی و مباحثه، از پیشینهٔ غنی برخوردار بوده و کتب و مقالات زیادی در مورد آن به رشتهٔ تحریر در آمده‌اند (فریز[۱]، ۱۹۴۵؛ لدو[۲]، ۱۹۵۷؛

[Downloaded from erfaniyat.iauh.ac.ir on 2025-10-23]

گراندجنت[3]،۱۹۸۲؛ وارداف[4]،۱۹۷۰؛ الاتیس[5]، ۱۹۶۸؛ فیسیاک[6]، ۱۹۸۰؛ جیمز[7]، ۱۹۸۰؛ آلر و ضیاء حسینی[8]، ۱۹۷۰؛ نیکل[9]، ۱۹۷۱؛ نیکل و وگنر[10]، ۱۹۶۸؛ بوتیو[11]، ۱۹۷۰؛ کشاورز، ۱۹۹۲؛ مشفقی، ۱۹۹۳؛

ارکی[12]، ۲۰۰۰؛ الیس و برخوزین[13]، ۲۰۰۵). بنابراین، این زمینه، توجه علمای زیادی را از دهۀ۱۹۵۰ تا به حال جلب نموده است.

طبق نظر زسزوسکی[14] (۱۹۹۰) تمام مشکلات و مجادلات بیانگر این هستند که بررسی تطبیقی، یک رشتۀ پابرجا است، محبوبیت خود را حفظ نموده، و بسیاری از مسائل نظری و عملی آن، جای بررسی دارند.

در دهۀ۱۹۵۰ متخصّصان آموزش زبان مخصوصا لدو (۱۹۵۷) و فریز (۱۹۴۵) بر آن شدند که آموزش زبان دوم را، که قبلا بر شم و تجارب شخصی معلمان متّکی بود، در زمرۀ علوم تجربی وارد کنند. هدف آن‌ها این بود که مشکلات آموزش زبان دوم به روش علمی علّت یابی شود و برای رفع مشکلات، علل آن‌ها رفع گردد. لدو بر این باور بود که با مقابلۀ دو زبان می توان نسبت به مسائل آموزش زبان، تهیۀ مطالب درسی، پژوهش و مانند آن، شناخت پیدا کرد و با استفاده از این شناخت، مشکلات معلمان و دانشجویان زبان را حل کرد(مشفقی،۱۳۷۲: ۵).

در ارتباط با زبان شناسی مقابله‌ای و یا بررسی تطبیقی جنبه‌های مختلف دو زبان، فرضیه‌هایی پدید آمده اند. پدید آورندۀ فرضیۀ قوی، لدو است. وی معتقد است که عادات زبان مادری به هنگام فراگیری زبان دوم، تداخل یا مزاحمت ایجاد می‌کند؛ بدین معنی که عناصر از زبان مادری به زبان دوم، به صورت مثبت یا منفی، انتقال می‌یابند. بنا به فرضیۀ دوم یا گونۀ معتدل که بنیان‌گذارانش آلر و ضیاء حسینی(۱۹۷۰) می‌باشند، مواردی از دو زبان که بسیار شباهت دارند موجب اشتباه می‌شوند و در نتیجه، زبان آموزی را مشکل می‌سازند. فرضیۀ سوم یا گونۀ ضعیف، متعلّق به واردهو (۱۹۷۰) است. به اعتقاد وی گونۀ قوی تعبیری کاملا غیر واقع بینانه و غیر عملی است. واردهو می‌گوید (ص ۱۲۵) "حداقل چیزی که این گونه فرضیه‌ها ایجاب می‌کند این است که زبان‌شناسان مجموعه‌ای از همگانی‌های زبان را به صورت انتظام یافته در چهارچوب یک نطریۀ جامع زبانشناسی، که در حدّ کافی به نحو، معنا شناسی و واج شناسی می پردازد، در اختیار داشته باشند.(

[Downloaded from erfaniyat.iauh.ac.ir on 2025-10-23]

واردهو،۱۹۷۰: ۱۲۵) او می‌گفت: معلمان و زبان‌شناسان " بهترین دانش زبانشناسی موجود را ... به منظور تحلیل مشکلات مشهود در یادگیری زبان دوم "به وجهی موفقیت آمیز به کار برده‌اند.(همان،۱۲۶) وی این گونه کاربرد زبانشناسی را، که مبتنی بر مشاهده است، گونهٔ ضعیف فرضیهٔ تحلیل تقابلی می نامد (براون، ۱۳۶۳: ۱۹۷).

در طول عمر زبانشناسی مقابله‌ای بحث‌های داغی نیز رخ داده است. برای مثال جیمز، ماهیت زبان‌ها را متفاوت دانسته و رابطهٔ بین عناصر آن‌هارا یک به چند وچند به یک می-داند و به طور مزاح گونه‌ای می‌گوید " کامیون و پوست موز صرفا به این دلیل که هیچ یک جایشان در پیاده رو نیست می‌توانند در یک مقوله قرار گیرند".(جیمز،۱۹۸۰: ۱۹۸)

در همین راستا، مشفقی (۱۳۷۲)بنیاد علمی زبانشناسی مقابله‌ای را، با تکیه بر نظرات پاپر(۱۹۵۹)، فیلسوف علم، زیر سوال می برد.

۴. ضرورت این نوع مطالعه

انجام چنین مطالعه‌ای می‌تواند از چند نظر مفید واقع شود،؛ در مرحلهٔ اوّل، این نوع مطالعه موجب بقا و پیشرفت و تقویت بنیهٔ نظری و عملی شاخهٔ بررسی تطبیقی در ادبیات و رشته‌های دیگر در دو زبان، قوم و یا ملت می‌شود. در مرحلهٔ دوم، این مطالعه به مترجم، دانشجوی مترجمی و کسانی که به ادبیات علاقه دارند کمک می‌کند تا با یافتن آرایه‌های ادبی معادل در زبان فارسی و انگلیسی توانمند شوند. در مرحلهٔ سوم، اگر موضوع‌هایی که در پایان این مقاله معرفی شده‌اند، مورد بررسی علمی قرار گیرند، نتیجه کار آثار منتشر شده‌ای را تشکیل می‌دهد که هر کدام به یک نظام ادبی خاص مانند بدیع, بیان, قافیه و عروض به صورت تطبیقی پرداخته است. در مرحلهٔ چهارم، از آنجا که آرایه‌های ادبی ابزار مؤثری می‌باشند که به وسیلهٔ آن‌ها افراد متعلق به فرهنگ‌ها و ملّت‌های مختلف تجارب و احساسات و عواطف خود را ابراز می‌دارند، چنین مطالعه‌ای می‌تواند یک پل ارتباطی بین فرهنگ‌ها و ملّت‌های مختلف باشد. برای مثال، اگر"جغد" در فرهنگ اروپا نماد "حکمت" است، در ایران شاید "هدهد" همین نقش را بازی می‌کند، یعنی نماد "حکمت" است(کریمی،۲۰۰۴ :۵۱).

[Downloaded from erfaniyat.iauh.ac.ir on 2025-10-23]

۵. مقدوریت‌ها

برخی شباهت‌ها در بین زبان‌های فارسی و انگلیسی و ادبیات آن‌ها، ایدهٔ بررسی تطبیقی آرایه‌های ادبی را در این دو زبان تسهیل می‌بخشد. اصطلاحات ادبی، به منزلهٔ ابزار زبانشناختی به کار گرفته شده در ادبیات، منعکس کنندهٔ اذهان و عواطف افراد بشر با فرهنگ‌های متفاوت می‌باشند. درست است که زبان‌ها از نظر ساختارهای دستور با هم فرق دارند، با این وصف وجوه اشتراکی نیز دارند، چه در غیر این صورت ایجاد ارتباط کلامی در بین افراد اقوام و ملّت‌های مختلف بسیار دشوار است. زبانی را نمی توان یافت که فاقد آرایه‌های ادبی مانند تشبیه، استعاره، جناس، ابهام و غیره باشد(طباطبائی، ۱۳۶۹ : ۱۱).

به علاوه، عوامل زیر، فرآیند بررسی تطبیقی آرایه‌های ادبی فارسی و انگلیسی را مقدور می‌سازند:

الف- به طور کلی، خود طبیعت زبان بودن، یعنی سنخیّت داشتن، اجازهٔ مقایسهٔ نظام‌های کوچک‌تر دو زبان، را در این مقاله، به ما می‌دهد.

ب- زبان فارسی و انگلیسی متعلّق به زبان‌های هند و اروپایی هستند. لذا، دارای وجوه مشترک و واژه های هم ریشه می‌باشند.

ج- فارسی و انگلیسی هر دو، سه دورهٔ تاریخی – باستان، میانه و امروزی- را پشت سر گذاشته‌اند.

د- زبان فارسی و انگلیسی واژه‌هایی را از یکدیگر به عاریت گرفته اند.

ه- این دو زبان به طور مستقیم یا غیرمستقیم، کم و بیش تحت تأثیر صنایع ادبی یونانی قرار گرفته‌اند. برای مثال، اصطلاحات "کمدی" و "تراژدی"، از زبان یونانی به طور مستقیم وارد زبان انگلیسی و به طور غیرمستقیم یا از زبان انگلیسی و یا از زبان عربی وارد زبان فارسی شده‌اند و با جرح و تعدیلات آوایی انگلیسی و فارسی گونه شده‌اند.

و- برخی اصطلاحات ادبی فارسی و یا عربی مستقیماً و یا از راه ترجمهٔ آزاد وارد زبان انگلیسی شده‌اند. برخی نمونه‌ها عبارتند از: رباعی، قصیده، غزل، ترکیب‌بند(composite tie)، ترجیع بند(return tie) و مطلع(opening lines)(طباطبایی،۱۳۶۷ :۱۳).

[Downloaded from erfaniyat.iauh.ac.ir on 2025-10-23]

۶. محدودیت‌ها

عواملی وجود دارند که فرایند تطبیق صنایع ادبی را در دو زبان فارسی و انگلیسی دشوار، وقت‌گیر و طاقت‌فرسا می‌سازند. برخی از این عوامل را می‌توان به صورت زیر برشمرد:

الف- اختلاف نظر در مورد یک اصطلاح خاص در منابع مختلف

برای مثال، در منابع فارسی، همائی (۱۳۶۱) اصطلاحات "مماثله" و "موازنه" را هم معنی می‌پندارد؛ امّا رجائی (۱۳۵۹) و آهنی (۱۳۶۰) آن‌ها را متفاوت می دانند. این گونه اختلاف نظر ها نیز در منابع انگلیسی به چشم می خورد. سیمپسون[15] (۱۹۶۷) اصطلاحات "consonance" و "pararhyme" را مترادف می داند؛ در حالی که شیپلی[16] (۱۹۷۰) آن‌ها را متفاوت می پندارد.

ب- تفاوت در رسم الخط

زبان فارسی و انگلیسی از نظر رسم الخط با هم فرق دارند. از طرفی بیشتر حروف الفبای فارسی یک، دو ویا سه نقطه دارند. این امر زمینهٔ خلق برخی اصطلاحات را فراهم می‌کند. برای مثال اصطلاح "رقطا" به حالتی از نوشتن اشاره می‌کند که در آن نویسنده خود را مقیّد می‌کند که حروف در عبارت یا جمله‌ای که می نویسد به-طور یک در میان منقوط و غیر منقوط باشند. مثال:

شد قد تو چون صنوبر باغ.

در زبان انگلیسی فقط حروف i وj منقوط می‌باشند و اگر آن‌ها را بزرگ بنویسیم، نقطه در آن‌ها نیز از بین می‌رود. لذا، غیر ممکن است که در زبان انگلیسی بر مبنای منقوط بودن حروف، اصطلاحی را آفرید. از طرف دیگر حروف انگلیسی، بر خلاف حروف فارسی، به صورت‌های بزرگ و کوچک نوشته می شوند و این امر زمینه ساز اصطلاحاتی مانند "diaphora" می‌شود، یعنی نوعی جناس که در آن دو اسم عام که با حرف کوچک شروع می‌شوند، یکسان خوانده و نوشته می‌شوند. مانند "bank" به معنی "ساحل" و "bank" به معنی "بانک". اما اگر یکی از این اسامی عام به اسم خاص تبدیل شود و در نتیجه حرف اول آن بزرگ نوشته شود، آن‌گاه اصطلاح"ploce" به آن اطلاق می‌شود (طباطبایی, ۱۳۶۷: ۹ و کریمی ۱۹۹۳: ۷).

[Downloaded from erfaniyat.iauh.ac.ir on 2025-10-23]

ج- وجود برخی اصطلاحات در یک زبان و نبودن آن‌ها در زبان دیگر

در شعر فارسی حروف یا صداهای قافیه ساز در دو کلمهٔ هم قافیه به سه دسته تقسیم می‌شوند و هر حرف یا صدا در هر گروه اسم خاصی دارد. برای مثال، گروه اول شامل چهار حرف (یا صدا) است که"تأسیس"، "دخیل"، "قید"، و"ردف" نام دارند. اما چنین نام‌گذاری و تقسیم بندی در مورد حروف یا صداهای قافیه ساز در دو کلمهٔ هم قافیه در زبان انگلیسی صورت نگرفته است (طباطبایی[17]، ۱۳۶۷: ۱۰ و کریمی[18] ۱۹۹۳: ۷ و ۸).

د- تفاوت در اوزان عروضی شعر

تقطیع شعر انگلیسی جنبهٔ کیفی دارد. بدین معنی که هجاها بر اساس تکیه‌دار و بدون تکیه بودن تعیین و آرایش داده می‌شوند (بکسن و گنز[19]، ۱۹۸۹ : ۲۴۹). اما تقطیع شعر فارسی جنبهٔ کمّی دارد؛ یعنی، ارکان از هجا(ها)ی کوتاه و بلند تشکیل می‌شوند (سادات ناصری و وحیدیان کامیار[20]، ۱۳۶۸: ۲۲). بنابرین، ظاهرا بسی دشوار است بررسی تطبیقی را در مورد اوزان عروضی در انگلیسی و فارسی انجام داد، هر چند کریمی (۱۹۹۳) مواردی را انجام داده است.

۷- روش کار

(طباطبایی ۱۳۶۷) به طور تخصّصی و کریمی (۱۹۹۳) شیوهٔ بررسی تطبیقی آرایه‌های ادبی فارسی و انگلیسی را به صورت زیر ارائه داده‌اند:

الف- داده‌ها (آرایه‌های ادبی انگلیسی و فارسی) را می‌توان از منابع مختلف مانند فرهنگ‌ها، گلچین‌های ادبی و اهل فن گردآوری کرد.

ب- آرایه‌های ادبی به ظاهر معادل (آن‌هایی که در فرهنگ‌های دو زبانه آمده‌اند) در بین دو زبان (انگلیسی و فارسی) را می‌توان مطالعه کرد تا معلوم شود که آیا رابطهٔ یک به یک بین معانی اجزای آن‌ها (ریشه ها و وندها) وجود دارد.

ج- تعریف یا تعاریف آن‌ها را از نظر ویژگی‌های بنیانی و واژه های کلیدی می‌توان مقایسه کرد.

د- می‌توان مثال‌های آن‌ها را با هم مقایسه کرد.

[Downloaded from erfaniyat.iauh.ac.ir on 2025-10-23]

ه- مثال برای آرایهٔ ادبی انگلیسی را می‌توان با تعریف آرایهٔ ادبی فارسی و برعکس مقایسه کرد.

و- کار برد آرایهٔ ادبی انگلیسی و فارسی را می‌توان با هم مقایسه کرد.

ز- در تمامی موارد بالا (از الف تا و) وجوه اشتراک و افتراق را می توان نوشت.

ح- در پایان، تمام وجوه اشتراک و افتراق در مورد جنبه‌های مختلف هر آرایهٔ ادبی در دو زبان را می‌توان گزارش کرد.

با استفاده از روش فوق، کریمی (۱۹۹۳) تعداد ۵۳ اصطلاح ادبی فارسی و انگلیسی را بررسی کرده است.

چند نمونهٔ آن به صورت زیر است و فهرستی از بقیهٔ موارد به صورت ضمیمه در انتهای مقاله آورده شده است.

cacophony; dissonance

Cacophony or dissonance is a harsh or unpleasant combination of sound which may be the result of difficulty of articulation or may be introduced for poetic effect.

Examples:

1. A tap at the pane, the quick sharp scratch
And blue spurt of a lighted match (Browning's Meeting at Night, as cited in Beckson and Ganz, 1989).

Note : In these lines by Browning, the image of a sudden flame combines abrupt rhythms and explosive consonants to produce a cacophonous effect.

2. " The glush of squirting taps plus slush of foam knocked off" by E.E.
Cummings

In this example the harsh-sounding of consonantal sounds is evident if one attempts to produce the sequencing words.

[Downloaded from erfaniyat.iauh.ac.ir on 2025-10-23]

تنافر

تنافر لفظی بر دو قسم است:

الف- تنافر در حروف: عبارت است از ترکیب یک سری حروف در یک کلمه به طوری که حروف از یکدیگر نفرت داشته باشند و تلفّظ آن‌ها دشوار و بد آهنگ باشد. چند مثال:

۱. آخشیج

۲. پنهانست

در مثال شماره ۲، سه حرف آ خر کلمه ساکن است و موجب دشواری تلفظ می‌شود.

ب- تنافر در کلمات: آن است که اجتماع الفاظ در یک عبارت یا جمله به گونه‌ای باشد که تلفظ آن‌ها دشوار بود که دلیل این امر باز دخالت حروف است (رخزادی، ۱۳۶۶: ۴). چند مثال:

۱. خواجه تو چه تجارت کنی

۲. در این درگه که گه گه که که و که که شود ناگه

مقایسه ومقابله: **cacophony** در انگلیسی معادل تنافر در حروف و تنافر در کلمات در زبان فارسی است. ویژگی بنیانی این اصطلاحات در هر دو زبان عبارت است از بد-آوائی و یا بد-آهنگی حروف در کلمات و عبارات.

MAcARONIC VERSE

Macaronic verse : (From Italian word "macaroni", a paste in various shapes often baked with cheese, ground meat, etc.) it is a verse which is made by mixing two or more languages, especially a modern language with Latin or Greek. English is most commonly mixed with Latin, often to the extent of giving English words Latinate endings. Macaronic verse is almost always used for comic effect.

Examples:

1. Qui nunc dancer vult modo,
Wants to dance in the fashion, oh!
Discere debet ought to know,
Kickere floor cum heel and toe.

[Downloaded from erfaniyat.iauh.ac.ir on 2025-10-23]

One, two, three
Hop with me,
Whirligig, twirligig, rapidee.
G.A. a Bekett "A Polka Lyric"
2. Mademoiselle got the croix de guerre
For washing soldiers' underwear,
Inky-pinky, parez- vou?

ملمّع

ملمّع در لغت به معنی درخشان و گوناگون و یا حیوانی که در بدنش لکّه‌ها و خال‌هائی خلاف رنگ اصلی او وجود داشته باشد و در اصطلاح علم بدیع شعری را گویند که یک مصراع یا بیت آن فارسی و مصراع یا بیت دیگر آن به زبان دیگر، خصوصا عربی، باشد. چند نمونه:

۱.سل المصانع رکبا تهیم فی الفلوات
تو قدر آب چه دانی که در کنار فراتی

۲.روضه ماء نهرها سلسال
دوحه سجع طیرها موزون
آن پر از لاله های رنگا رنگ
وین پر از میوه های گو نا گون

مقایسه و مقابله:

الف- تشابهات:

۱. در macaronic verse انگلیسی و ملمّع فارسی دو زبان متفاوت با هم ترکیب می شوند.

۲. هر دو اصطلاح در لغت به معنی "گوناگونی" می باشند.

۳. در هر دوی آن‌ها شاعر یا نویسنده، زبان‌های خاصی را با هم ترکیب می‌کند.

ب- تفاوت:

[Downloaded from erfaniyat.iauh.ac.ir on 2025-10-23]

macaronic verse در انگلیسی بیشتر جهت مزاح مورد استفاده قرار می‌گیرد، اما ملمّع در فارسی جنبهٔ جدّی دارد.

۸. بحث و نتیجه‌گیری

بررسی تطبیقی جنبه‌های مختلف دو زبان، امر بسیار پیچیده‌ای است. این پیچیدگی شاید از آنجا ناشی می‌شود که هر زبانی ماهیت خاص خود را دارد و رابطهٔ عناصر در دو زبان یا بیشتر، یک به یک نیست. لذا، مبادرت به کار بررسی تطبیقی اجزای دو زبان از یک سو نیازمند آشنائی کافی به ابعاد مختلف آن دو زبان بوده، و از طرفی دیگر فرد تطبیق‌گر باید از پیشینهٔ نظری و علمی و بحث‌های داغی که در ادبیات این رشته وجود دارد، علم و اطلاع لازم و کافی داشته باشد.

چنین به نظر می‌رسد که جدال‌های موجود در ادبیات تطبیقی نباید موجب دلسردی علاقه‌مندان به این زمینه شود و بهتر است، بدون سوگیری، این رشته مورد بازنگری عمیق علمی قرار گیرد. چه اگر این رشته کنار گذاشته شود، آن‌گاه تکلیف ترجمه چه می‌شود. ترجمه نوعی زبانشناسی مقابله‌ای است، زیرا در فرایند ترجمه مترجم پیوسته تلاش می‌کند جهت یافتن معادل، جنبه‌های مختلف دو زبان را بررسی و تبدیل نماید.

علاوه بر یادآوری موارد فوق، از دستاوردهای دیگر این مقاله اشاره به محدودیت‌ها، مقدوریت‌ها و همچنین ارائه راهکارها و مثال‌هایی برای چگونگی انجام مقایسه و مقابلهٔ آرایه‌های ادبی در زبان‌های فارسی و انگلیسی بوده است.

۹. توصیه برای تحقیقات آتی

از آنجا که هر نظام کوچکتر ادبی مانند بیان، عروض و قافیه دارای اصطلاحات ادبی خاص خود می‌باشد، ضروری می‌نماید که پژوهشگران اقدام به تفکیک اصطلاحات هر یک از این علوم نموده و آن‌ها را با اصطلاحات نظیرشان در زبان دیگر به شکل مقاله یا فرهنگ یا گلچینی ادبی مقایسه کنند. چنین امکاناتی، اگر فراهم شود، برای دانشجویان، معلمان، پژوهشگران و مترجمین از اهمیتی خاص برخوردار خواهد بود.

[Downloaded from erfaniyat.iauh.ac.ir on 2025-10-23]

پی نوشت:

[1]- FRIES
[2]- LADO
[3] - GRANDGENT
[4] - WARDHAUGH
[5] - ALATIS
[6] - FISIAK
[7] - JAMES
[8]- OLLER& ZIAHOSSEINI
[9] - NICKEL
[10]- NICKEL& WAGNER
[11]- BUTEAU
[12]- MARKEE
[13]-.ELLI & BARKHUIZEN
14- KRZESZOWSKI
[15]- SIMPSON
[16] - SHIPLEY
17- TABATABAIE
[18]- KARIMI
19- BECKSON&GANZ
20- NASERI&VAHIDIAN KAMIAR

Appendix

English	فارسی
1. acrostic	تو شیح
2. adynation	غلو
3. alliteration	معلی، برجستگی واج، واج آرایی
4. allusion	تلمیح
5. ambiguity	ابهام
6. amphilboly	ایهام
7. amplification	مبالغه

[Downloaded from erfaniyat.iauh.ac.ir on 2025-10-23]

8. anadiplosis رد العجز علی (الی) صد ر
9. apostrophe التفات
10. antithesis تضاد، طباق
11. ellipsis/parataxis فصل
12. barbarism غرابت استعمال
13. cocophony تنافر
14. closed couplet مفرد، فرد، تک بیت
15. heroic couplet مثنوی
16. full rhyme قافیه کامل
17. comedy کمدی
18. diacope کثرت تکرار
19. elegance فصاحت
10. enallage مخالفت قیاس صرفی
21. elegy قصیده
22. epic حماسه
23. enjambement مصراع المعنی ،مصراع الموقوف،
24. envoy شریطه
25. epanalepsis ردالصد رعلی (الی) عجز
26. hyperbaton تعقید لفظی
27. hyperbole اغراق
28. image خیال، تصویر
29. imperfect rhyme قافیه معیوب
30. internal rhyme سجع
31. kenning کنایه
32. leonine rhyme سجع
33. macaronic verse ملمع
34. metaphor استعاره
35. metonymy مجاز مرسل

[Downloaded from erfaniyat.iauh.ac.ir on 2025-10-23]

36. paradox تناقض صوری، تناقض نما
37. parethesis حشو (قبیح، ملیح، متوسط)
38. circumlocution اطناب
39. perfect rhyme اعنات، التزام
40. pun جناس
41. quotation title تضمین
42. reciprocal palindrome قلب کامل (مستوی)
43. refrain بند ترجیع، بیت برگردان
44. rhetorical question تجاهل العارف
45. rhetoric بدیع
46. rhyme قافیه
47. satire طنز
48. scansion تقطیع
49. simile تشبیه
50. stanza بند
52. syllepsis استخدام
52. symbol سمبل، نماد
53. tragedy تراژدی

[Downloaded from erfaniyat.iauh.ac.ir on 2025-10-23]

کتابنامه

آهنی، غلامحسین. ۱۳۶۰. ***معانی بیان***. چاپ دوم. انتشارات بنیاد قرآن.

براون، اچ. داگلاس. ۱۳۶۳. ***اصول یادگیری و تدریس زبان***. ترجمه: مجدالدین کیوانی. چاپ اول. تهران: مرکزنشر دانشگاهی.

همایی، جلال الدین. و دیگران .۱۳۵۳. ***بدیع و قافیه و عروض برای دورهٔ دوم ادبی دبیرستان***. تهران: شرکت سهامی طبع و نشر کتابهای درسی ایران.

رجایی، محمد خلیل. ۱۳۵۳. ***معالم ا لبلاغه در علم معانی و بیان بدیع***. شیراز: انتشارات پهلوی سا بق.

رخزادی، علی. ۱۳۶۶. ***گزیده صناعات ادبی و نیازهای سخن در ادب فارسی***. انتشارات ستاد تجهیزات و سرپرستی گروه‌های آموزشی استان کردستان.

سادات ناصری، سید حسن. و وحیدیان کامیار، تقی. ۱۳۶۸. ***فنون و صنایع ادبی*** *(قافیه و عروض)*. شرکت چاپ و نشر ایران.

طبا طبا ئی، محمّد. ۱۳۶۷. ***فر هنگ اصطلاحات صناعات ادبی***. تهران: بنیاد فرهنگ رضوی.

مشفقی، فرهاد. ۱۳۷۲. « بررسی بنیاد علمی زبانشناسی مقابله ای». ***مجلهٔ زبان و ادبیات***: *ویژهٔ مباحث آموزش زبان و ادبیات*. سال اول. شمارهٔ اول.

English References

Alatis, J.E. (ed.) 1968 . ***Contrastive linguistics and its pedagogical implications***. (Monograph series on language and linguistics, 21) Washington, D.C.: Georgtown University Press.

Beckson, K. & Ganz, A. 1989. ***Literary terms: A dictionary***(3rd.). New York: Farrar, Straus & Giroux.

Buteau, M.F. 1970 . **Students' errors and the learning of French as a second language: A pilot study**. *IRAL* 8, 133-145.

Ellis, R. & Barkhuizen, G. 2005 . ***Analyzing learner language***. Oxford: Oxford University Press.

Fisiak, J. (ed.) 1980 . ***Theoretical issues in contrastive linguistics***. Amsterdam: Benjamins.

Fries, C.C. 1945 . ***Teaching and learning English as a foreign language***. ANN Arbor: University of Michigan Press.

[Downloaded from erfaniyat.iauh.ac.ir on 2025-10-23]

Grandgent, C.H. 1982 . ***German and English sounds***. Boston: Ginn & Ci.
James, C. 1980 . ***Contrastive analysis***. London: Longman.
Karimi, L. 1993 . ***A contrastive analysis of English-Persian literary terms***. Iran, Tehran: Majd Scientific & Cultural Association.
Karimi, L. 2004 . ***The fundamentals and principles of translation theory***. Iran, Hamedan: Daneshjo.
Keshavars, M.H. 1992 **.** ***Contrastive analysis and error analysis***: From theory To practice. Iran, Tehran: Rahnama Publication.
Lado, R. 1957 . ***Linguistics across culture***. Ann Arbor: University of Michigan Press.
Markee, N. 2000 . ***Conversation analysis***. Mahwa, NJ, Lawrence Erlbaum.
Nickel, G. & Wagner, K.H. (1968). ***Contrastive linguistics and language teaching***. *IRAL* 6, 233-255.
Nickel, G. 1971 . ***Papers in contrastive linguistics***. London: Cambridge University Press.
Oller, J.W. & S.M. Ziahosseini .1970 . ***The contrastive analysis hypothesis and spelling errors***. Language Learning 20, 183-189.
Popper, K.R. 1959 . ***The logic of scientific discovery***. Hutchinson & co. Publishers, Ltd.
Shipley, J. 1970 **.** ***Dictionary of world literary terms***. London: George Allen & Unwin Ltd.
Simpson, L. (ed) 1967 . ***An introduction to poetry***! London: Macmillan and Co Ltd.
Wardhaugh, R. . 1970 . ***The contrastive analysis hypothesis***. *TESOL Quarterly 4*, 120-130.
Ziahosseini, S.M. 1994 . ***Introducing contrastive linguistics***. Iran, Tehran: Office of the
Vice-Chancellor, Research of Islamic Azad University, Tehran Branch.

.

[Downloaded from erfaniyat.iauh.ac.ir on 2025-10-23]